

حدیث روز:
امام باقر(ع): تو را به پنج چیز سفارش می‌کنم: اگر مورد ستم واقع شدی ستم مکن، اگر به تو خیانت کردند خیانت مکن، اگر تکذیب کردند خشمگین مشو، اگر مدحت کنند شاد مشو و اگر نکوهشت کنند، بی‌تابی مکن.

واحه:
شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد
بنده طلعت آن باش که آبی دارد

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۲
اذان مغرب: ۲۰/۰۷
اذان صبح (فردا): ۴/۴۴
غروب آفتاب: ۱۹/۴۸
نیمه شب شرعی: ۷/۱۶
طلوع خورشید (فردا): ۶/۱۶

وضعیت آب و هوای امروز

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی

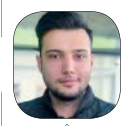
■ شایه: ۳۶۳۷۰-۱۵۵۱۷۳۵۰
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

سه‌شنبه ۷ اردیبهشت ۱۴۰۰ | ۱۴ رمضان ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۹۲۴ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Tuesday - April 27, 2021

تهران ۳۱ / ۲۲ ایلان ۲۶ / ۱۲ ارومیه ۲۴ / ۱۳ بوشهر ۳۳ / ۲۵ رشت ۲۰ / ۱۳ همدان ۲۴ / ۱۱ یزد ۳۲ / ۲۱

تلنگر

هیاهوی پرنده‌آبی



علیرضا رافتی

روزنامه‌نگار

حالا خدا پدر و مادر گنجشک‌ها را بیامزد که یک ساعت کاری مشخص برای خودشان دارند. صبح علی‌الطووع شروع می‌کنند و شیفیتی جابه‌جا می‌شوند تا غروب. لااقل شب دیگر صدای مهمهمه‌شان رانمی‌شنوی. اصلا از هر چیزی که مصنوعی‌اش را می‌سازند، هویتش را از دست می‌دهد و مثل نمونه طبیعی‌اش رفتار نمی‌کند. ما در زبان فارسی در مواجهه با کسی که متنی را در حساب توئیتری‌اش منتشر می‌کند می‌گوییم «فلانی توئییت زده». توئییت زدن یا توئییت کردن فعلی است که برای این عمل استفاده می‌کنیم اما در واقع این یعنی ما کلمه «توئییت» را ترجمه نکرده‌ایم. در زبان عربی برای کسی که این عمل را انجام می‌دهد از فعل «تغرید» استفاده می‌کنند. تغرید همان فعلی است که فارسی‌اش می‌شود: جیک جیک کردن. در واقع مثلاً می‌گویند: «وزیر خارجه در آخرین جیک جیک خود گفتند که اوضاع بهتر می‌شود!»

اینها را گفتم که بگویم ما در طول شبانه‌روز درگیر جیک جیک کردن‌های آدم‌های مختلفی هستیم که سروصدا و هیاهوی‌شان دنیای‌مان را برداشته است.

اخیرا یک حساب جعلی توئیتری خودش را جای یک عضو ارشد طالبان جازده و جیک جیک کرده که در مذاکره با آمریکا به فلان نتیجه رسیده‌ایم و بهمان تصمیم را گرفته‌ایم. اعضای دیگر هم جیک جیک کنان تلاش می‌کنند به مردم حالی‌کنند که او یک گنجشک تقلبی بوده است.

از آن طرف دنیا هم دولت هند از توئیتر خواسته هرکس علیه نظام سلامت این‌کشور جیک جیک کرد، نوکش را بچینند. توئیتر هم قبول کرده و افتاده به پاک کردن توئییت‌های مخالف نظام سلامت هند. کاری که معلوم نیست اگر دولتی مثل چین یا ایران برای جلوگیری از تشویش و آشوب، از توئیتر می‌خواستند انجام می‌داد یا نه.

خلاصه در دنیای عجیبی گیر کرده‌ایم. دنیایی که همه چیزش مصنوعی است. حتی گنجشک‌هایی که ساعت کاری ندارند و صبح تا شب و شب تا صبح مشغول جیک جیک کردن علیه همدیگر و جار و جنجال هستند. این وسط کاش ما به جای گنجشک بودن لااقل طاووسی، پرستویی چیزی باشیم!

گفت‌وگو با دکتر فاطمه محمدی، جامعه‌شناس و مجری تلویزیون درباره برخی رفتارهای سلبریتی‌ها در فضای مجازی

مراقب باشیم بازی نخوریم

برای روبه‌رو شدن با این چالش‌ها بگویید و این که چه باید کرد تا نوجوان و جوان امروزی کمتر آسیب ببیند.

■ **سلبریتی‌ها شاید که راست نگویند**

آدم‌های جهان می‌توانند هر قدر که دوست دارند در آن عکس، ویدئو و مطلب منتشر کنند؛ هر چه دوست دارند از هر بخش از زندگی و دنیای خود که می‌خواهند. در این دنیایی که شبیه چاه ویل است فقط خود آدم‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند چه بخش از زندگی خود را در این دنیا به اشتراک بگذارند و چه صفحاتی را پیگیری کنند یا نکنند. انتخاب دقیقاً دست خود آدم‌هاست. اگر زمانی می‌گفتند سرت را از زندگی دیگران بی‌اور بیرون، الآن دیگر خیلی‌ها سفره زندگی‌شان را کاملاً باز و مردم را دعوت می‌کنند تا به هر کجای زندگی آنها که دوست دارند، سرک بکشند. حالا دیگر خیلی‌ها حتی از قضاوت شدن هم هراسی ندارند. کامنت‌ها را بازمی‌گذارند تا هر کس هر چه دوست داشت اظهار نظر کند. در این دنیای گشاده دست اما زندگی سخت‌تر از آن چیزی است که تصور می‌کنیم یا در آینده خواهیم فهمید که چقدر فراز و فرود دارد و می‌تواند چه آسیب‌های جدی به ما بزند.

چند روز قبل یکی از بازیگران بسیار معروف که رقم دستمزد و ثروتش همه را شگفت‌زده کرده است، پستی در اینستاگرام منتشر کرد و تولد خانم بازیگری را که گویا به او علاقه‌مند هم هست به شیوه‌ای خاص تبریک گفت؛ تبریکی که به سرعت به یکی از پربازدیدکننده‌ترین ویدئوهای شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد و آه از نهاد خیلی از جوان‌ها درآورد که عجب عشقی و عجب رابطه زیبایی. پسرها شروع کردند به شوخی با بازیگر مرد معروف، شوخی‌ای که از دیدگاه روان‌شناسی به آن شوخی برای دفاع از خود می‌نامند. پسرهای جوان زیادی هستند که آرزوی‌شان لحظه‌ای زندگی کردن مثل آن بازیگر معروف است. دخترها اما بنا به زن بودن‌شان و روحیه‌ای که دارند، دچار یاس و افسوس شدند که چگونه می‌توان چنین عشقی را تجربه کرد با مردی معروف و ثروتمند. این ویدئو بار دیگر دو نکته را زیر چراغ قوه گذاشت و روشن کرد: اول این‌که زندگی افراد مشهور با زندگی مردم واقعی فرسنگ‌ها فاصله دارد و حسرت‌آفرین است و دوم این‌که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در ذهن و روان جوان‌ها چالش‌هایی را شکل دهند و آنها را به سمت رفتارهایی ببرند که با عرف و شرع جامعه همخوانی ندارد و این مغایرت و ناهمگونی زندگی آنها را با موانعی رو به رو کند.

با دکتر فاطمه محمدی؛ مجری تلویزیون و جامعه‌شناس هم‌صحبت شدم تا آوا از تجربیاتش

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار



عکس: فائز

فعلا پدر و مادرها حواس‌شان باشد

دنیای امروز نیاز به برنامه‌ریزی منسجم و هدفمند دارد، وگرنه نخ زندگی از دست خیلی از ما در می‌رود و نوجوان و جوانمان معلوم نیست وارد چه دنیای مبهمی شوند. باید سال‌ها قبل کار کردن و برنامه‌ریزی روی فرهنگ فردی و اجتماعی را شروع می‌کردیم، همان زمانی که رهبر معظم انقلاب و لنگاری در حوزه فرهنگ را گوشزد کردند اما کار از دست آقایان و خانم‌های برنامه‌ریز در رفت. الآن با بحران روبه‌رو شده‌ایم. در این شرایط، کاربردی‌ترین روش این است که پدر و مادرها حواس‌شان به فرزندانشان باشد. خودشان در شبکه‌های اجتماعی بچرخند تا بدانند در این شبکه‌ها چه اتفاقاتی در حال رخ دادن است. سواد رسانه‌ای‌شان را بالا ببرند. دیگر دوره دوری از این دنیا و منع بچه‌ها تمام شده است. باید دنیای مجازی را شناخت و با فرزندان، درباره تهدیدات آن صحبت کرد. باید وقت گذاشت و اگر شده حتی روزی نیم‌ساعت با بچه‌ها درباره رخدادهای مهم شبکه‌های اجتماعی صحبت کرد و به آنها توضیح داد که کدام بخش اشتباه است یا بزرگنمایی شده و دور از دسترس است یا خلاف واقع است. ما فعلاً چاره‌ای نداریم به جز دوستی و رفاقت با فرزندان نوجوان و جوانمان و توضیح دادن به آنها نه با لحن عتاب و تهدید بلکه رفاقتی. جوری که او اگر در ظاهر هم توضیحات ما را قبول نکرد در گوشه ذهنش به آنها فکر کند و وقتی در شبکه‌های اجتماعی می‌چرخد کمی هم نگاه بدبینانه یا پرسشگر داشته باشد و هر چه دید را دربست قبول نکند.

ما نتوانسته‌ایم حتی اینترنت را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که نوجوان و دانش‌آموزان به همه سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی دسترسی نداشته باشند کاری که حتی در کشورهای توسعه‌یافته اروپایی و آمریکایی هم روی آن کار شده است. دانش‌آموز هم‌زمان هم در مدرسه نمی‌داند اگر نگاهش را از چهره‌ها و اینفلوئنسرهای برادرش بداند که نگاهش را از چهره‌ها و پیکری که سواد رسانه‌ای هم در آن در حد صفر است، مسلم است نوجوان و جوان دچار بحران هویت می‌شود. ■

زندگی دیگران را رصد کنند و حتی ما تا حدودی عادت کرده‌ایم دروغ دیگران را ببینیم و بشنویم و حتی آنها را باور کنیم حتی در زمانی که می‌دانیم واقعی نیستند. از طرفی در کشور ما مدل‌سازی برای نوجوانان و جوانان اصلاً شکل نگرفته و روی آن سرمایه‌گذاری نشده. نوجوان و جوان ایرانی نمی‌داند اگر نگاهش را از چهره‌ها و اینفلوئنسرهای برادرش بداند که نگاهش را از چهره‌ها و پیکری که سواد رسانه‌ای هم در آن در حد صفر است، مسلم است نوجوان و جوان دچار بحران هویت می‌شود. ■

کار متخصص هم به ارزانی در این کشور یافت می‌شود، هند به یکی از قدرتمندترین تولیدکنندگان دارو در جهان تبدیل شده است. یکی از پیشگامان تولید واکسن کرونا در جهان نیز همین کشور هند است که اخبار چند ماه پیش خبر از این می‌داد که طی توافق قرار است واکسن کرونایش را به ایران نیز صادر کند. اما به یکباره در خبرهای بعدی اعلام شد دولت هند با صادرات واکسن از این کشور مخالفت کرده و بساط خرید واکسن هندی از طرف ایران هم برچیده شده است. حالا مشکل کار کجا بود؟ مشکل برمی‌گردد به همان مساله خانواده پرجمعیت. خانواده پرجمعیتی که گفتیم علاوه بر مزیت‌هایش، مشکلاتی را هم برای سرپرستان خانواده به وجود می‌آورد. یکی از مشکلات هم همین است که جمعیت زیاد خانواده، نیازهای متعدد ایجاد می‌کند و پاسخ به این نیازهای متعدد کار ساده‌ای نیست. هند که ابتدا روی امواج رسانه‌ای تولید واکسن سوار شده بود و به حق هم سوار بود و مردمش تقریباً مطمئن بودند نظام سلامت حرفه‌ای‌شان آنها را از زیر تیغ کرونا نجات می‌دهد، حالا گرفتار نوعی از کرونا شده‌اند که نظیرش را دنیا در این دو سال ندیده است.

کرونا ی هندی اسمی است که دنیا روی این نوع جهش‌یافته از ویروس کرونا گذاشته است. نه به این معنا که وقت شنیدن اسمش آدم یاد فیلم هندی بیفتد و پیش خودش تشبیه کند که لابد این ویروس هم مثل قهرمانان فیلم‌های هندی قدرت خارق‌العاده‌ای دارد و مثل جبارسینگ بی‌رحم است. به این معنا که اولین خانواده‌ای که درگیر این نوع بی‌رحم از کرونا شده، خانواده پرجمعیت هند است. فقط خود خالق آنتی‌بادی به داد خانواده هند و خانواده‌های دیگر برسد. ■

ویروس جبارسینگ

علی‌زئوف
روزنامه‌نگار

کشور پرجمعیت مثل خانواده پرجمعیت برای خودش مزایا و مشکلاتی دارد. مثلاً یکی از محاسن جمعیت زیاد کشورها این است که هزینه نیروی کار انسانی و دیگر هزینه‌هایی که یک سرشان به نیروی کار انسانی می‌خورد، پایین است و در نتیجه هزینه تولید هر چیزی در این کشورها می‌تواند پایین باشد. نتیجه چه می‌شود؟ رونق تولید و صادرات و رونق‌کاری چرخ اقتصادی که زندگی مردم را راحت‌تر روی ریل پیش ببرد. درست مثل خانواده پرجمعیتی که برادران توهمند شانه به شانه هم دیگر کار می‌کنند و هر کدام به قدر باربکه‌ای آب به خانه می‌آورند و از این بابت خانه‌شان از حیث رزق و روزی و نعمت همیشه دریاست! اگر بخوایم برای این مزیت خانواده‌های پرجمعیت مثال بیاوریم قطعا بهترین مثالش می‌شود چین که در صادرات هر چیزی تایید می‌کنم هر چیزی به هر جای دنیا رتبه‌ای خاص دارد و اقتصادش یکی از پررونق‌ترین نظام‌های اقتصادی دنیاست. مثالی دیگر برای این مدعا کشور هند است که در صادرات بسیاری از محصولات رتبه اول را در جهان دارد، از جمله در صادرات دارو. از آنجا که پرداختن به آموزش آکادمیک در هند جدی گرفته می‌شود و از طرفی به دلیل جمعیت زیاد نیروی

دعای روز چهاردهم ماه مبارک رمضان

اللهم لا تؤاخذني فيه بالعثرات وافلني فيه من الخطايا والنفقات ولا تجعلني فيه غرضاً للبلايا والافات يوزك يا عز المصلمين.
خدایا مرا در این ماه برغرض‌ها مؤاخذه مکن و از خطاها و افتادن در گناهان من در گذر و هدف پلاها و افات قرار مده، به عزت ای عزت مسلمانان.

امروز در تاریخ

روز جهانی گرافیک
کشته شدن فرناندو مازلان، دریانورد پرتغالی (۱۵۳۱ ش)

مقطع حساس کنونی

راز کائنات و مسائل مربوطه

در کوهستان سیانگ ووهانگ در سرزمین چین حکیمی به‌نام گوان جیهو زندگی می‌کرد که گرچه نگاه ژئوپلیتیک و ژئالستی به منطقه نداشت اما در عرصه حکمت نظری



امید مهدی‌نژاد

طنز نویس

از اعظم حکمای منطقه به‌شمار می‌رفت. وی دارای تالیفاتی در زمینه‌های گوناگون بود و شاگردانی را نیز در عرصه‌های مختلف تربیت کرده بود که آنها نیز به نوبه خود در نوعی دیگری از منطقه به گلکاری تپه‌های بایر و بیابان جملات قصار درباره هستی و کائنات و زندگی و... مشغول بودند و به راهنمایی مردمان و گرگ‌کشایی از مشکلات عقیدتی سیاسی آنها می‌پرداختند. روزی یکی از شاگردان حکیم گوان جیهو به‌نام شیان کاهو نزد وی رفت و پس از عرض ارادت و تعظیم بسیار گفت: ای حکیم بزرگ، من ظن قوی دارم که تو از راز کائنات آگاهی. حکیم سکوت کرد. شاگرد گفت: تو را به کائنات قسم می‌دهم که اگر از راز کائنات آگاهی بگو. حکیم گفت: بلی آگاهم. شاگرد به پای حکیم افتاد و گفت: تو را به کائنات آنچه در آن است قسم می‌دهم که به من هم بگو. حکیم دولا شد و شاگرد را که همچون سربش به پای وی چسبیده بود از روی پایش جمع کرد و گفت: ای شاگرد، هرگاه ظرفیت تحمل این راز را داشته باشی، کائنات خود آن را با تو در میان خواهد گذاشت. شاگرد بار دیگر خود را به پای حکیم انداخت و گفت: اقلاولش را بگو. حکیم بار دیگر شاگرد را از روی پای خود جمع کرد و گفت: باش، اما باید آزمون شوی. شاگرد گفت: برای آزمون حاضریم. حکیم به داخل پستورفت و کیسه‌ای سر بسته آورد و به شاگرد داد و گفت: این کیسه را که حاوی امانتی گرانبه‌است به نزد حکیم چانگ چی ببر و به او تحویل بده. شاگرد گفت: اطاعت و کیسه را از حکیم گوان جیهو گرفت و به راه افتاد. در راه با خود گفت: بگذار ببینم درون کیسه چیست و سرکیسه را باز کرد. در این لحظه موشی از داخل کیسه بیرون پرید و فرار کرد و رفت. شاگرد به نزد حکیم گوان جیهو بازگشت و گفت: ای حکیم، مراسم راز گذاشتی؟ حکیم لیجندی زد و گفت: کسی که برای نگهداری موشی از امانتداری برخوردار نیست، چگونه می‌تواند از راز کائنات نگهداری کند؟ وی افزود: برو خدایت را شکر کن، چرا که به شاگرد قبلی کیسه‌ای حاوی مار تحویل دادم، خدایش بیامزد. شاگرد که ضایع شده بود خاموش شد و خاموش هم ماند.



عکس‌ها: روتنر